

## بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان دانشجوین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

هدی سادات محسنی<sup>۱</sup> \* حمید شفیق‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان دانشجوین دانشگاه‌های دولتی تهران و مقایسه این ویژگی‌ها به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل انجام گرفته است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه استاندارد شده «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی» در ۸ بعد با ضریب پایایی ۰/۹۰۹ است. نتایج و یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که دانشجوین نمونه در ابعاد ریسک‌پذیری، سلامت فکر و چالش‌طلبی در وضعیت ضعیف قرار داشته، در ابعاد کنترول، توفیق‌طلبی، عمل‌گرایی و رویاپردازی در وضعیت قوی، در بعد تحمل ابهام در وضعیت بسیار قوی و در کل روحیه کارآفرینی دانشجوین نمونه دارای وضعیت قوی ارزیابی شده است. سایر نتایج نشان می‌دهد که میان دو گروه دانشجوین زن و مرد در خصوص میزان برخورداری از ریسک‌پذیری، رویاپردازی و چالش‌طلبی و در کل بین روحیه کارآفرینی تفاوت معنادار وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** کارآفرینی، دانشجو، شخصیت کارآفرینان و دانشگاه‌های دولتی تهران.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره چهارم • پاییز ۱۳۹۱ • صص ۱۶۵-۱۳۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۵/۴

۱. دانشجوی دکترای مدیریت آموزش عالی (sadatmohseni@gmail.com).  
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، نویسنده مسئول (shafizadeh11@gmail.com).

## مقدمه

کارآفرینی مقوله بسیار مهمی است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به آن توجه جدی مبذول داشته‌اند. در این جوامع کارآفرینی تبدیل به ابزار نیرومندی شده است که بهره‌گیری از آن می‌تواند باعث رفع مشکلاتی همچون بیکاری، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، نزول چشمگیر بهره‌وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات و رکود اقتصادی شود. اکنون در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و از آنها نیز به‌عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود.

امروزه بشر در عرصه‌های مختلف با چالش‌های عظیمی مواجه بوده که محوریت مشترک تمامی آنان توسعه دانش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی است. در این راستا، جوامع توسعه یافته طی دهه‌های اخیر متوسل به رویکردهای جدیدی در حوزه‌های اقتصاد و توسعه ملی شده که از آن به توسعه و اقتصاد مبتنی بر دانش یاد می‌شود. توسعه و اقتصاد دانش با رویکردی جهانی، مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر پیش روی کشور در راستای تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار و همچنین دستیابی به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ طی سال‌های آتی محسوب می‌شود که شکل‌گیری آن در کشور نیازمند پیدایش، نضج و برقراری تعاملات پویا میان نظام‌های ملی علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی است. از دیگر سو، امروزه در جوامع دانش‌بنیان، دامنه تأثیر کارآفرینی بسیار وسیع بوده، به نحوی که از تغییر در ارزش‌های اجتماعی، تا رشد شتابان اقتصادی را شامل می‌شود و مواردی همچون اشتغال‌زایی، توسعه دانش و فناوری، شناخت و گسترش بازارهای جدید، ساماندهی و بهره‌گیری اثربخش از منابع، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و افزایش ثروت در جامعه را در بر می‌گیرد.

به‌طور کلی، کارآفرینی پدیده فنی - اقتصادی جدیدی است که طی دهه‌های اخیر،

جهان اقتصاد و صنعت را با پیامدهای شگفت خود متحول ساخته است. در حال حاضر که اقتصاد کشور گرفتار نارسایی‌ها، کمبودها و سوء مدیریت‌های فراوانی است و این امر منجر به وضعیت ناهنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی، کاهش قدرت سرمایه‌گذاری دولت، ضعف در صادرات غیر نفتی و کاستی‌های متعددی از این قبیل شده است، نیم‌نگاهی به وضعیت جهانی، اقتصاد ما را به سوی این باور می‌کشانند که رشد کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه مشروط بر آنکه هوشمندانه، هنرمندانه و با فرهنگ، امکانات، توانایی‌ها و سلیقه ایرانی آمیخته شود، مناسب‌ترین راه بهبود وضعیت امروز اقتصاد کشور و پیشگیری از وخامت آن است. از دیگر سو، ساختار اقتصادی دنیای امروز نسبت به گذشته به‌طور اساسی متفاوت شده است. شاخص‌های سخت‌افزاری و دارایی‌های مشهود که دیروز در بنگاه‌های اقتصادی نقشی تعیین‌کننده داشت، جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات/ خدمات جدید و دارایی‌های نرم‌افزاری داده است. اگر در دهه‌های پیشین، ثروتمندترین افراد دنیا کسانی بودند که منابع مالی بیشتری را در اختیار داشتند، امروزه ثروتمندترین آنان، افراد صاحب دانش و فناوری و کارآفرینان موفق هستند. از این رو، توسعه اقتصادی در جوامع امروزی بر پایه‌های نوینی همچون دانش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی استوار شده است. اهمیت کارآفرینی و نقش کلیدی آن در پیشرفت جوامع، موجب شده است که اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بهره‌گیری از آن را مورد توجه قرار دهند و در این مسیر از طریق تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های علمی و استراتژی‌های کاربردی، در راستای بسط و تقویت فرهنگ، روحیه و رفتار کارآفرینی میان آحاد جامعه به‌طور اعم و دانشجویان و دانشگاهیان به‌طور اخص تلاش کنند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، مطالعه و سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران و موانع پیش روی آن است. نتایج حاصل از این مطالعه نیز به‌منظور جهت‌دهی برنامه‌ها و اقدامات آتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور، در اختیار این وزارتخانه قرار گرفته است.

## ۱. پیشینه کارآفرینی

کارآفرینی از واژه فرانسوی *entrepreneur* به معنی متعهد شدن، در دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان قرن نوزدهم، کارآفرینان را به‌عنوان «مهندسان پیشرفت

صنعتی و کارگزار تولید» قلمداد می‌کردند و در آغاز قرن بیستم با گسترده شدن مفهوم توسعه اقتصادی، به کارآفرین به‌عنوان نیروی بنیادی و حمایتی در کلیه فعالیت‌های اجتماعی تأکید و توجه شد. به‌طور کلی «کارآفرینی» از ابتدای خلقت بشر همواره با او در تمام عرصه‌های زندگی حضور داشته و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های وی بوده است. نگاهی گذرا به روند تکاملی مفهوم کارآفرینی و توسعه آن در جهان نشان می‌دهد که خاستگاه اصلی آن، کشور فرانسه است. در اوایل قرن شانزده میلادی، افرادی که مأموریت‌های نظامی را در این کشور هدایت می‌کردند، کارآفرین نامیده می‌شدند، اما پس از سال ۱۷۰۰ میلادی، فرانسویان این واژه را برای پیمانکاران دولتی نیز به کار بردند. واژه فوق در ادبیات فارسی ابتدا به معنای کارفرما و سپس کارآفرین ترجمه شده است. طی سال ۱۹۳۳ کارآفرینی وارد حوزه جدید و وسیع‌تر «کسب و کار» شد و کارآفرین فردی قلمداد شد که مدیر و مؤسس یک بنگاه اقتصادی باشد. به دنبال آن، شومپتر<sup>۱</sup> این حوزه را گسترده‌تر مطرح کرد و بیان داشت که کارآفرین می‌تواند در استخدام فرد یا سازمان دیگری نیز قرار گیرد و مفهوم کارآفرینان سازمانی را به حوزه پیشین اضافه کرد. در حقیقت، کارآفرینی مفهومی پیچیده، چندلایه و پراضلاعی است که ماهیتی میان‌رشته‌ای داشته و حوزه‌های متعددی را در جامعه، متأثر از خود می‌سازد (Anokhin & Schulze, 2009; Johnson et al., 2006).

یکی از مسائل پیش روی کشور، دانش‌آموختگانی هستند که توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم را برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب ندارند و اغلب بجای ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی و مشارکت در توسعه ملی، خود به‌دنبال استخدام شدن هستند. از جمله راهکارهای مناسبی که اکثر کشورها برای رفع این مشکل مورد توجه قرار داده‌اند، ترویج کارآفرینی در دانشگاه‌ها بوده است. در واقع نظام آموزش عالی این کشورها با مداخله‌گری برنامه‌ریزی شده، تأثیر بسزایی در توسعه اقتصادی و حل مسئله بیکاری داشته است. توجه به فرایند کارآفرینی در دانشگاه‌ها تا حدی است که سازمان علمی آموزش ملل متحد<sup>۲</sup> در چشم‌انداز آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه‌های نوین را این‌گونه تعریف کرده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی به‌منظور

۱. شومپتر از سال ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۳۲ استاد دانشگاه بُن و از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۵۰ استاد دانشگاه هاروارد بوده است.

2. UNESCO

تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان و برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار، توسعه می‌یابد (UNESCO, 2003). برای برنامه‌ریزی و ترویج فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه و تربیت افراد کارآفرین برای آینده، توجه به برخی توانایی‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های دوسویه نظام آموزش عالی و دانشجویان امری اجتناب‌ناپذیر است. برای تحقق اهداف کارآفرینی در دانشگاه نیز باید به این نکته دقت کرد، که چنانچه افراد تحت آموزش، با اهداف، محتوا و روش‌های تدریس، با هم هماهنگ شوند، بهره بیشتری از تلاش‌های آموزشی حاصل می‌شود (Block & Stump, 1992). در ارتباط با روند تکاملی کارآفرینی در کشور، باید اشاره داشت که تا آغاز برنامه سوم توسعه، توجه جدی به امر توسعه کارآفرینی در کشور نشده بود و حتی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نیز به جز مواردی بسیار نادر، از این امر مهم غفلت شده بود. وضعیت نامطلوب بیکاری در آغاز دهه ۱۳۸۰ موجب شد، پدیده توسعه کارآفرینی برای نخستین بار در کشور در قالب سومین برنامه توسعه ملی به‌طور رسمی مورد توجه قرار گیرد. پس از آن، توسعه کارآفرینی در کشور همزمان با توسعه علم و فناوری طی فرایند تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ - که مسیر کلی حرکت کشور را طی چهار برنامه توسعه تبیین می‌کند - در سال ۱۳۸۴ به خوبی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در این سند، هدف کلان و بلندمدت کشور، دستیابی به جایگاه نخست علمی، فناوری و اقتصادی منطقه آسیای جنوب‌غربی، آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه طی برنامه‌های توسعه چهارم، پنجم، ششم و هفتم پیش‌بینی شده است که مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر دستیابی به این هدف، تحقق توسعه و اقتصاد مبتنی بر دانش با تأکید بر توسعه نوآوری و کارآفرینی در کشور است.

پس از تدوین سند چشم‌انداز و طی برنامه چهارم توسعه، نقش علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین در نظر گرفته شد. گسترش بازار محصولات دانش‌بنیان، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی در این قلمرو، از جمله اهداف مورد توجه در این برنامه در راستای رشد اقتصاد دانش‌محور بود. به‌طور مشخص، ۱۵ مورد از مواد قانونی برنامه چهارم به موضوع توسعه مبتنی بر دانش پرداخته است، نظیر ماده ۱۱۶ و ۴۵ به تدوین حقوق مالکیت معنوی، ماده ۴۴ به شکست بازار در تولید دانش، ماده ۴۵ به حمایت مالی مستقیم و یارانه به بخش پژوهشی و ماده ۴۶ به سرمایه‌گذاری دولتی در پژوهش اشاره داشته است.

مباحث مربوط به توسعه علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی نیز در لایحه برنامه چهارم توسعه در فصول ۱، ۲، ۳، ۴ و ۸ مورد توجه قرار گرفته بود. در برنامه پنجم سازندگی (توسعه) نیز که محور اصلی آن دستیابی به اقتصاد و توسعه مبتنی بر دانش در راستای تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تعریف شده است، توجه و تأکید بر امر توسعه کارآفرینی و حمایت از کارآفرینان، بنگاه‌های کوچک و متوسط و مراکز چندگانه حمایت‌کننده از این افراد و بنگاه‌ها نظیر شهرک‌های علمی، تحقیقاتی و فناوری و پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری و همچنین شکل‌گیری و نضج نظام‌های ملی علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی در کشور بیش از دو برنامه پیشین صورت گرفته است و این مهم در مواد، تبصره‌ها و بندهای قانونی متعدد برنامه پنجم سازندگی (توسعه) مورد تأکید قرار گرفته که پرداختن به تمامی آنان مجال دیگری را می‌طلبد.

## ۲. پیشینه تحقیق

طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی در حوزه کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان در داخل و خارج کشور انجام شده است که ادامه به برخی از آنان اشاره شده است.

- خدمتی (۱۳۷۹) پژوهشی را با عنوان «زمینه بروز و پرورش کارآفرینی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهرستان کرج را از نظر مدیران، دبیران و دانش‌آموزان» مورد بررسی قرار داد. نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه‌های انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی دانش‌آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است.

- نتایج تحقیق کردستانی (۱۳۸۲) مبنی بر «بررسی وضعیت کارآفرینی در مدارس متوسطه و ارائه مدلی برای پرورش مدیران کارآفرین در آموزش و پرورش شهر تهران» نشان داده است که بین میانگین‌های وضعیت تأهل مدیران و کارآفرینی تفاوت معنادار وجود دارد. تفاوت معناداری در تعامل دو متغیر سن و جنسیت مدیران گروه نمونه و عامل کارآفرینی وجود ندارد.

- عزیزی (۱۳۸۲) پژوهشی را با عنوان «بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز پرورش کارآفرینی دانشجویان شهید بهشتی» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهایی چون میزان تحمل، اعتماد به کنترل درونی، نیاز به توفیق‌طلبی،

مخاطره‌پذیری، خلاقیت و نوآوری و استقلال‌طلبی با کارآفرینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر آن، بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه شده و میزان کارآفرینی در دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

- بدری و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی که با عنوان «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، به این نتایج دست یافتند که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود، اما نمرات ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر بود. همچنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان مؤثر نبوده است.

- کلانتری و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات» به این نتیجه دست یافتند که بین ویژگی‌های کارآفرینی با دارا بودن آموزش‌های رسمی دانشگاهی، ریسک‌پذیری، داشتن مهارت فردی و خلاقیت، رابطه معناداری وجود دارد. در این میان سهم دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی در توسعه مطبوعات و نشریات کشور بیش از سایر دانش‌آموختگان در رشته‌های دیگر دانشگاهی بوده است.

- عطار در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی کارآفرینانه بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان مدیران شرکت‌های خودروسازی ایران» به این نتیجه دست یافت که ایجاد فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، تأثیر مثبت و معناداری بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی مدیران داشته و منجر به توسعه کارآفرینی، اشتغال‌زایی و افزایش توان رقابتی در دنیای پر از رقابت و در حال تغییر سازمان‌ها می‌شود (عطار، ۱۳۸۸).

- کردناییج و همکاران در تحقیقی با نام «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در پنج منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تهران» پنج ویژگی اصلی (کانون کنترل درونی، انگیزه پیشرفت بالا، خلاقیت زیاد، ریسک‌پذیری متعادل و تحمل ابهام بالا) را به عنوان ویژگی‌های اصلی شخصیتی کارآفرینانه شناسایی کردند (کردناییج و دیگران، ۱۳۸۸).

- فیض (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه سمنان» به این نتیجه دست یافت که دانشجویان دانشگاه سمنان از منظر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در ابعاد کانون کنترل، توفیق‌طلبی، عمل‌گرایی،

رویابرداری، سلامت فکر و تحمل ابهام در وضعیت قوی و بسیار قوی و در ابعاد ریسک‌پذیری و چالش‌طلبی در وضعیت ضعیف قرار داشته و در کل روحیه کارآفرینی آنان در وضعیت قوی ارزیابی شده است.

- مورنی (۲۰۰۳) پژوهش خود را با هدف تعیین سطح ارزش‌های کارآفرینی میان مدیران تعاونی‌ها تحقیقی در مدارس راهنمایی در بخش پدانگ در غرب سوماترا- اندونزی، انجام داده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که نگرش پاسخگویان به کارآفرینی نسبتاً بالا بوده است. البته مهارت‌های کارآفرینی آنها تنها در سطح متوسطی بود، در حالی که آزمون t و آزمون ANOVA نشان‌دهنده سطح تحصیلات و موقعیتی است که مدیران تعاونی بر نوع رهبری و سطح مهارت‌های کارآفرینی تأثیر داشته است.

- فولر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «کارآفرینان دانشگاهی» که در مؤسسه فناوری آموزشی بر روی کارآفرینی اعضای هیئت علمی جورجیا انجام داد، به این نتیجه رسید که تحکیم ارتباط دانشگاه و صنعت می‌تواند روش خوبی برای توسعه کارآفرینی در دانشگاه و به تبع آن پرورش کارآفرین باشد.

- بوجین هاون و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در تحقیقی تحت عنوان «خصیصه‌ها و تأثیرات چندگانه فرهنگ کارآفرینانه» در سال ۲۰۰۷، عواملی چون همکاری، تمایل به ریسک، خلاقیت و نوآوری و هماهنگی و برقراری ارتباط با دیگران را به عنوان ویژگی‌های اساسی فرهنگ سازمانی کارآفرینانه شناسایی کردند که این عوامل منجر به اثربخشی در عملکرد سازمانی می‌گردد.

- هوارد در تحقیقی با نام «توسعه قابلیت‌های کارآفرینی در جوانان» به این نتیجه رسید که رابطه‌ای مستقیمی میان پرورش ویژگی‌های استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتماد به نفس، جسارت و خلاقیت دانش‌آموزان با توسعه قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی آنان وجود دارد (Howard, 2004).

- لیتون در پژوهشی تحت عنوان «کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه» ویژگی‌های کارآفرینی را شامل توانایی خطرپذیری، نوآوری، اشتراک‌مسابی، دانش فنی، بازار و بازاریابی، مهارت‌های مدیریت کسب‌وکار، نگرش مثبت به کسب‌وکار و

---

1. Fuller

2. Boojin hawon et al



توانایی برای شکار فرصت‌ها شناسایی کرده است (Littunen, 2000).

### ۳. رویکردهای کارآفرینی

در روند تکاملی و سیر تبیین مفهوم کارآفرینی ویژگی‌ها، کارکردها و نقش‌های متنوعی به کارآفرین نسبت داده شده است. در حقیقت، کارآفرینی از نظریه‌های اقتصادی منشأ گرفته و از ابتدای قرن نوزدهم تا دهه ۱۹۶۰ تنها اندیشمندان اقتصادی به آن پرداخته‌اند و در ادامه، نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی جوامع به شدت مورد توجه قرار گرفته است. پس از آن، روان‌شناسان با هدف ارائه نظریه‌هایی مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی و همچنین با تفکیک قائل شدن میان کارآفرینان با غیر کارآفرینان و مدیران، به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه پرداخته‌اند. در حال حاضر، نظریه‌های کارآفرینی علاوه بر مستندسازی پدیده کارآفرینی، دارای قابلیت تشریح و توصیف رفتار کارآفرینان، پیش‌بینی شرایط زمینه‌سازی کارآفرینی و همچنین ارائه رهنمودهای ارزشی برای اقدام درست در یک شرایط معین است. کارآفرینی ماهیتی میان‌رشته‌ای داشته و از حیثه گسترده‌ای شامل رشته‌های مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تشکیل شده است. به‌طور کلی، کارآفرینی را می‌توان از چند منظر مورد مطالعه قرار داد: الف) رویکرد اقتصادی، ب) رویکرد فرهنگی - اجتماعی و ج) رویکرد روان‌شناختی (ویژگی‌های شخصیتی).

#### ۳-۱. رویکرد اقتصادی

در ارتباط با رویکرد اقتصادی باید اشاره داشت که اقتصاددانان نقش کارآفرین را در قرن‌های گذشته شناسایی کرده و از طریق دو مکتب اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک مورد مطالعه قرار داده‌اند. اقتصاد کلاسیک به سهم اقتصاد در پیش از اواخر قرن نوزدهم اشاره دارد که در اغلب موارد به اقتصاد سیاسی تعبیر می‌شود. در حوزه اقتصاد کلاسیک چندین مکتب در کشورهای مختلف قابل شناسایی است. مکتب آمریکایی توسط آماسا واکر (۱۸۷۵-۱۷۹۹) مطرح شده که نقش کارآفرین را به‌عنوان ایجادکننده ثروت در نظر گرفته است. پس از وی، پسرش فرانسیس ای واکر (۱۸۹۷-۱۸۴۰) نیز اظهار داشت که کارآفرینان موفق دارای ویژگی‌های آینده‌نگری، تسهیل‌کنندگی، مجری، پرانرژی و رهبری هستند. وی چهار نوع کارآفرین را شامل: الف) افراد تیزهوش و پراستعداد که آینده‌نگر، مصمم و راسخ هستند و قادرند در افراد ایجاد انگیزه کرده و آنها را هدایت کنند، ب) افراد با

استعداد سطح بالا که مهارت ذاتی داشته و آگاه، دقیق و مصمم هستند، ج) افرادی که در کسب و کار خوب عمل می‌کنند و به‌جای آنکه افرادی باهوش و با استعداد باشند، دارای پشتکار و عزم و اراده قوی هستند و د) افراد بی‌عرضه که قادر به شناخت دقیق حرفه خود نیستند. علاوه بر آن، او معتقد است که سود در ازای مهارت، توانایی یا استعداد فرد کارآفرین به وی برمی‌گردد. از دیگر سو، هاولی (۱۹۲۹-۱۸۴۳) سود را به‌عنوان پاداشی برای کارآفرین به‌خاطر تحمل ریسک و به‌عنوان نتیجه کارش مطرح کرده است. بنابراین مفاهیم ریسک و عدم اطمینان به‌طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه هاولی، تمام تعاملات کسب و کار در شرایط عدم اطمینان صورت می‌گیرد. بنابراین افرادی که درگیر تعاملات کسب و کار بوده و ریسک کار را می‌پذیرند، همان کارآفرینان هستند.

در مقابل مکتب آمریکایی، مکتب انگلیسی به وسیله نویسندگانی چون آدام اسمیت (۱۷۷۳-۱۷۹۰) و دیوید ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲) مطرح شده است. آنان وظیفه کارآفرین را با سرمایه‌دار تلفیق کرده و معتقدند: سود به‌عنوان پاداشی برای سرمایه‌مخاطره‌آمیز و نه به‌خاطر پیش‌بینی آینده و هدایت مناسب کسب و کار در نظر گرفته می‌شود. کارآفرینان در کسب و کارشان بر اساس تقاضا برای محصولات سرمایه‌گذاری می‌کنند و پاداش می‌گیرند. این مفهوم بیشتر از نوشته‌های جرمی بنتام (۱۸۳۲-۱۷۴۸) گرفته شده است. وی مفهوم کسب و کار آزاد از کنترل<sup>۱</sup> را مطرح کرده و آن را متأثر از سه عامل کلیدی تمایل (تمایل به ایجاد ثروت)، دانش فنی (دانش ایجاد ثروت) و قدرت سرمایه (توانایی ایجاد ثروت) معرفی می‌کند. او استدلال می‌کند که دولت‌ها کمتر از طریق قانون این سه عامل را تحت تأثیر قرار داده و از رویکرد آزاد از کنترل طرفداری می‌کنند. علی‌رغم اینکه وی موضوع ماهیت کارآفرین را به‌طور مستقیم مورد تأکید قرار نداده، اما بیان داشته است که کارآفرینان برای ایجاد ثروت همواره دارای تمایل، دانش فنی و قدرت سرمایه هستند. در مکتب فرانسه نیز که مفهوم کارآفرینی ریشه در این کشور دارد، ریچارد کانتیلون<sup>۲</sup> به‌عنوان نخستین اقتصاددانی که نقش کارآفرینی را تبیین کرده، در سال ۱۷۵۵ کارآفرین را فردی می‌داند که ریسک کسب و کار را در مواجهه با عدم اطمینان می‌آزماید و در فرایند

- 
1. Laissez Faire
  2. Richard Contillon

کسب و کار همواره برای به دست آوردن سود تلاش می‌کند. وی میان سرمایه‌دار و کارآفرین تمایز قائل می‌شود و معتقد است: کارآفرین ریسک‌پذیر است، اما قادر نیست ریسک‌های درگیر در تصمیمات را محاسبه کند. اقتصاددانان موفق فرانسوی این مفهوم را بیشتر توسعه دادند. باودیو (۱۸۳۲-۱۷۶۷) تلاش کرد تا تئوری کانتیلون شناسانده شود. او نیز میان کارآفرین و سرمایه‌دار تمایز قائل بود، اما برخلاف کانتیلون، ریسک و عدم اطمینان را به‌عنوان مرکز ثقل کارکرد کارآفرین در نظر نگرفت؛ بلکه کارآفرین را مدیری معرفی می‌کرد که نیاز داشت تقاضا را برآورد یا پیش‌بینی کند. با این حال وی کارآفرین را به‌عنوان یک عامل تغییر در یک اقتصاد پویا در نظر نگرفته است. البته مکاتب دیگری نظیر مکاتب اتریشی و آلمانی هم در رویکرد اقتصاد کلاسیک به کارآفرینی وجود دارد که مجال تشریح آنان در این مقال نمی‌گنجد.

در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک چنانکه گلنسی و مک کواید (۲۰۰۰) تشریح کرده‌اند، محور اساسی این نکته است که اقتصاد می‌تواند به شکل نظامی که در آن تعادل وجود دارد، تحقق یابد. اقتصاد نئوکلاسیک با اقتصاد دستوری که دولت‌ها در زمینه چگونگی تخصیص منابع و سایر امور تصمیم می‌گیرند، متفاوت است و آن با علوم اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد یا ترکیبی که عوامل بازار در آن تعیین‌کننده هستند، در ارتباط است. در اقتصاد نئوکلاسیک اعتقاد بر آن است که در شرایطی که نظام در تعادل است، نیاز اندکی به کارآفرینی احساس می‌شود. این در حالی است که امروزه اثبات شده تحت هر شرایطی کارآفرینی برای نظام اقتصادی جوامع سودمند است؛ چراکه برای هر شرایطی در بازار، می‌تواند شرایط مطلوب‌تری هم وجود داشته باشد. در مدل‌های اولیه تعادل، کارآفرین به‌عنوان مدیر یا هماهنگ‌کننده سه عامل اصلی تولید شامل زمین، نیروی کار و سرمایه در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، کارآفرین مدیر فرایند تولید است که مسئول تعیین حداکثر بازده برای سطح تعیین شده ترجیحات مصرف‌کننده است. از دیگر سو، در مدل تعادل جزئی که به وسیله مارشال (۱۹۲۴-۱۸۴۲) مطرح شده است، میان فردی که روش‌های جدید را به کار گرفته، کسب و کارها را بهبود بخشیده و ریسک‌پذیر است و فردی که از شکست می‌ترسد و دستمزد مدیریتی خود را می‌گیرد، تفاوت وجود دارد. از دیدگاه مارشال، توسعه کسب و کار به فردی بیش از یک مدیر نیاز دارد و مستلزم دانش مبادله و دانش فنی و همچنین توانایی پیش‌بینی، شناسایی فرصت‌ها، رهبری و تمایل به

بهبود عملکرد است. وی مدیریت یک کسب و کار موفق را نیازمند دو مؤلفه تلاش ذهنی مستمر برای شناسایی روش‌های تازه و ریسک‌پذیری می‌داند و معتقد است: کسب و کارهای کوچک جدید از طریق فرایند انتخاب طبیعی بقا یافته و نضج می‌یابند.

مفهوم ریسک به وسیله تلاش‌های کارنایت (۱۹۲۱) که نخستین اقتصاددان نئوکلاسیک محسوب می‌شود، به‌عنوان عامل تمیز کارآفرینی از سایر امور مدیریتی در یک سیستم تعادل عمومی تبیین شد. او میان دو نوع ریسک قابل بیمه و غیر قابل بیمه تمایز قائل شده و معتقد است: کارآفرینان توانایی هدایت افراد را تحت شرایط عدم اطمینان دارند که این توانایی از طریق دانش و قضاوت، آینده‌نگری، اعتماد به نفس و توانایی سطح بالای مدیریتی حاصل می‌شود. وی فرض می‌کند که تمایل به خوداشتغالی با نرخ دستمزدها نسبت معکوس دارد، یعنی اگر افراد بتوانند درآمدی کسب کنند که بیش از دستمزدی باشد که سازمان به آنان پرداخت می‌کند، خوداشتغالی را انتخاب خواهند کرد.

از دیگر سو، از دیدگاه وان میسس (۱۹۷۲-۱۸۸۱) تمام تصمیمات اقتصادی مستلزم ارزیابی، انتخاب گزینه‌ها و انطباق با عدم اطمینان‌های آینده است. وی بیان می‌دارد که اقدام انسان متأثر و تأثیرگذار بر آینده است. به اعتقاد وی، کارآفرین تصمیم‌گیرنده‌ای است که از طریق چشم‌انداز آتی خویش، آینده را تحت تأثیر قرار داده و تحت تأثیر آن نیز قرار می‌گیرد و قابلیت سوددهی کسب و کار، پیامد چنین رفتار کارآفرینانه است. یک انحراف مهم از مدل تعادل عمومی اقتصاد نئوکلاسیک به وسیله شومپتر (۱۹۵۰-۱۸۸۳) ایجاد شده است. شومپتر کارآفرین را فردی نوآور تلقی می‌کند که ترکیبات جدیدی را از ابزارهای تولید شکل می‌دهد. در تئوری توسعه اقتصادی شومپتر، نقش کارآفرین تخریب وضعیت موجود (تعادل عمومی) از طریق نوآوری است. نوآوری ممکن است در شکل‌های خلق محصول جدید، ارتقای کیفیت محصول فعلی، توسعه فرایند تولید، ایجاد بازار جدید، تصرف منبع جدید از عرضه و ایجاد یک سازمان یا حرفه جدید ظهور یابد.

طبق نظر وی، کارآفرینی منبع تغییر است و نوآوری فعالیت‌ها و بازارهای جدید را خلق می‌کند. در این شرایط، سود، مازاد یا حاشیه‌ای است که از طریق عمل نوآورانه‌ای که منجر به کاهش هزینه یا افزایش قیمت می‌شود، به دست می‌آید که به‌طور مستقیم با بهره‌وری فرد کارآفرین در ارتباط است.

### ۲-۳. رویکرد فرهنگی - اجتماعی

در ارتباط با رویکرد فرهنگی - اجتماعی باید اذعان داشت که این رویکرد، کارآفرین را با توجه به بستر و زمینه فرهنگی - اجتماعی و محیط پیرامونش مورد مطالعه قرار می‌دهد. رویکرد فوق، فرهنگ را به‌مثابه عاملی کلیدی و تعیین‌کننده در ارتباط با کارآفرینی می‌نگرد و بیان می‌دارد که به‌منظور رشد کارآفرینی در جوامع، تناسب بین سازه‌های ایدئولوژیکی و رفتار اقتصادی ضروری و بسیار حائز اهمیت است. رویکرد فرهنگی - اجتماعی، کارآفرین را تصمیم‌گیرنده‌ای متأثر از محیط فرهنگی - اجتماعی خاص پیرامونش معرفی می‌کند که ایده‌ها و اقداماتش به تأثیر از آن شکل می‌گیرد. هافستد (۱۹۸۰) ابعاد فرهنگی در ارتباط با کشورهای مختلف را بر اساس چهار بعد فاصله قدرت، مردم‌سالاری، اجتناب از عدم اطمینان و فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی گروه‌بندی می‌کند. برنر (۱۹۷۲) بیان می‌دارد: گروه‌هایی که موقعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند، برای کارآفرینی برانگیخته می‌شوند و بنابراین کارآفرینی پاسخ به عدم تحرک اجتماعی است. رابرت لمب (۱۹۵۲) معتقد به نقش کارآفرین به‌عنوان تصمیم‌گیرنده است و عنوان می‌کند که کارآفرینی یک نوع تصمیم‌گیری اجتماعی است و توسط نوآوران اقتصادی انجام می‌شود. در حقیقت، نقش عمده کارآفرین کمک به ظهور شکل تازه‌ای از جوامع محلی، ملی و بین‌المللی و دگرگون ساختن نمادهای اجتماعی و اقتصادی است. ژوزف مک‌گوایر (۱۹۶۲) معتقد است: نقش کارآفرینی در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی، متفاوت است. منابع طبیعی و سرمایه نقدی ممکن است یکسان باشد، اما در درک تفاوت رفتارها باید عواملی همچون مکاتب دینی، عقاید اجتماعی، تعلیم و تربیت، هنجارها، آرمان‌های فردی و ملی و پاداش رفتارها را مورد توجه قرار داد (Palmer, 1987).

### ۳-۳. رویکرد روان‌شناختی (ویژگی‌های شخصیتی)

در رویکرد ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه، اعتقاد بر این است که برخی ویژگی‌های شخصیتی تعریف شده وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روحیه کارآفرینی در انسان باشد. بنابراین یکی از مقوله‌هایی که طی سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با آن صورت پذیرفته است، بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی مشترک میان کارآفرین‌ها است. به‌طور کلی، تا به حال ویژگی‌های متعددی در خصوص کارآفرینان در

تحقیقات مختلف شناسایی شده است. در این ارتباط روان‌شناسان تلاش می‌کنند ریشه‌های روان‌شناختی اعمالی که کارآفرینان انجام می‌دهند را تعیین کنند. به‌جای اینکه جهان را به کارآفرینان و غیر کارآفرینان تقسیم‌بندی کنیم، باید توانایی‌های بالقوه‌ای که یک فرد کارآفرین را می‌سازد، مورد ملاحظه قرار دهیم. امروزه در ارتباط با اهمیت نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع توافق نظر وجود دارد. توسعه کارآفرینی در کشورها و دگردیسی آنان به جوامع کارآفرین مستلزم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات جامع، علمی و هدفمند در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف است که اعتقاد و باور دولتمردان و مشارکت حداکثری آحاد مردم به‌ویژه دانشگاهیان و صنعتگران در این زمینه، بسیار تعیین‌کننده است. یکی از اقدامات اساسی در این راستا، شناسایی کارآفرینان و افراد واجد ظرفیت‌های کارآفرینی در جامعه است تا از طریق حمایت و هدایت آنان در نظام‌های آموزشی و آموزش عالی و سپس در جامعه و بازار، بیشترین بهره‌مندی از استعدادها و توانمندی‌های آنان در کشور صورت پذیرد. پنج ویژگی اساسی شخصیتی در کارآفرینان مشتمل بر کانون کنترل، خلاقیت، تحمل ابهام، ریسک‌پذیری و موفقیت‌طلبی است که به اختصار به هر یک پرداخته می‌شود.

کانون کنترل، یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی کارآفرینانه و از موضوعات بسیار حائز اهمیت در حوزه مدیریت و سازمان محسوب می‌شود. کانون کنترل به معنای آن است که شخص چگونه منبع نتایج مثبت یا منفی را به خود یا دیگران نسبت می‌دهد (محمد هادی، ۱۳۷۹). این ویژگی شخصیتی کارآفرینانه مشتمل بر سه بعد کانون کنترل درونی، بیرونی و درونی-بیرونی است. منظور از کانون کنترل درونی آن است که فرد رویداد خاصی را ناشی از رفتار یا ویژگی‌های نسبتاً پایدار خود می‌داند. کانون کنترل بیرونی به این معنا است که فرد نوعی تقویت مثبت یا منفی را که به دنبال رفتار خاصی آمده، معلول رفتار خود نداند؛ بلکه آن را نتیجه تصادف و اتفاق و شانس تلقی کند و با طرح عوامل محیطی، امکان پیش‌بینی آن را نفی کند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۶۹). بنابراین اگر ویژگی کانون کنترل بر روی یک پیوستار تصور شود، یک سوی آن، کنترل درونی و درون‌گرایان قرار می‌گیرند که معتقدند پیشامدهایی که با آن مواجه می‌شوند از اعمال خودشان سرچشمه می‌گیرد و در سوی دیگر پیوستار، کنترل بیرونی و برون‌گرایان هستند که اذعان می‌دارند بیشتر چیزهایی که برایشان اتفاق می‌افتد، منتج از علل و عوامل خارجی و فراسوی کنترل

مستقیم آنها است. درون‌گرایان معتقدند که روند مثبت زندگی در نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و تلاش پیگیر خود آنها به دست می‌آید؛ در صورتی که برون‌گرایان میان رفتار خود و رویدادها، رابطه علت و معلولی نمی‌یابند و برای کوشش‌های خود ارزش قائل نمی‌شوند. آنان به امکان کنترل زندگی خویش در حال و آینده اعتقادی ندارند (بال، ۱۳۷۳). کانون کنترل درونی با واقع‌بینی، شناخت و منطقی بودن همراه است؛ در حالی که کانون کنترل بیرونی احساساتی بودن، عدم شناخت و غیر منطقی بودن در برابر حوادث یا علل رفتارها را به همراه دارد (کریمی، ۱۳۷۰). هنگامی که فرد همزمان از دو ویژگی کنترل درونی و بیرونی برخوردار بوده یا وضعیتی متوسط داشته باشد، کانون کنترل درونی- بیرونی خطاب می‌گیرد (تکینسون و همکاران، پیشین).

خلاقیت از موضوعات بسیار مطرح در دو حوزه روان‌شناسی و مدیریت است. جرسیلد (۱۹۶۹) معتقد است: تصورات و اندیشه‌ها، پایه و اساس خلاقیت را شکل می‌دهد و کودک به جای آنکه محدود به محسوسات دنیای خود شود، با توسعه دامنه تصوراتش، دنیایی از شگفتی را بر روی خویش باز می‌کند. ویژگی اساسی این شیوه اندیشیدن، آن است که فرد به شکلی گسترده به محیط توجه کرده و درباره آن می‌اندیشد. حذف و سانسورشناختی در افراد خلاق کمتر صورت می‌گیرد. گیلنفود (۱۹۶۴) به دو نوع تفکر همگرا و واگرا اشاره می‌کند. تفکر همگرا در جهت یک راه حل مشخص که از طریق بررسی وقایع تعیین شده است، هدایت می‌شود، اما تفکر واگرا (تفکر خلاق) توان آن را دارد تا در جهات مختلف سوق پیدا کند (آناستازی، ۱۳۶۱). بروز تفکر خلاق در فرد می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خلاقیت می‌توان به جنسیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بزرگی و ترتیب تولد فرزندان در خانواده و تأثیرات جامعه پیرامون اشاره کرد (امید، ۱۳۵۸).

تحمل ابهام عبارت است از: پذیرفتن عدم قطعیت به‌عنوان بخشی از زندگی و توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و همچنین تمایل به آغاز فعالیتی مستقل، بی‌آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر. قدرت تحمل ابهام در کارآفرینان به مراتب بیش از مدیران است و کارآفرینان بدون اینکه احساس تهدید یا ناراحتی کنند، قادرند به‌طور اثربخش با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، سازمان‌نیافته و غیرشفاف مواجه شوند و ضمن رفع ابهام، آنان را به نفع خویش تغییر دهند. در حقیقت، ابهام موجب

انگیزش کارآفرینان می شود (احمدپور داریانی، ۱۳۷۸). کارآفرینان در آغاز فعالیت، با عدم قطعیت‌ها و تغییرات مداوم روبه‌رو هستند که منجر به ابهام و استرس در آنان می‌شود، اما کارآفرینان موفق این موارد را به‌عنوان جزئی از فرایند کسب‌وکار پذیرفته‌اند (Kuratko & Hodgetts, 1998). فرای معتقد است که تحمل ابهام عبارت است از: پذیرش عدم قطعیت به‌عنوان یک هنجار در زندگی یا توانایی حیات با حداقل دانش در مورد محیط. کارآفرینان نیازی به قطعیت ندارند، زیرا آموخته‌اند که محیط مطمئن حاوی تمام آنچه می‌خواهند نیست (Fry, 1995). وریسون (۱۹۹۸) معتقد است: یکی از ویژگی‌های محیط کارآفرینی ابهام، عدم ثبات و فقدان دانش پایه‌ای کافی است. افرادی که از نظر تحمل ابهام در سطح پایینی قرار دارند، از موقعیت‌های سازمان‌نیافته، نامطمئن و سخت دوری می‌کنند. قدرت تحمل ابهام با سایر ویژگی‌های کارآفرینی ارتباط دارد. تحمل ابهام با خلاقیت و توانایی تولید ایده‌های بیشتر از طریق سیال‌سازی ذهن مرتبط است. توانایی ایده‌پردازی و نوآوری نیازمند برخورداری از ویژگی تحمل ابهام است و افراد دارای تحمل ابهام تحت شرایط یکسان، ریسک بالاتری را می‌پذیرند (Tagona, 1990).

ریسک‌پذیری (خطرپذیری) مشتمل بر ویژگی است که فرد برای انجام کاری یا پذیرش مسئولیتی که احتمال شکست در آن وجود دارد، اعلام آمادگی می‌کند. خطر کردن ممکن است به آگاهی فرد از موضوع بستگی نداشته باشد و حتی فرد از نتایج و پیامدهای احتمالی آن نیز بی‌اطلاع باشد. ریسک‌پذیری به شخصیت فرد و تجارب گذشته وی بستگی دارد. کارآفرینان اعتدال در خطرپذیری را ترجیح می‌دهند و اموری را دنبال می‌کنند که علاوه بر چالش‌انگیز بودن، نه خیلی سهل‌الوصول و نه غیرممکن باشد (Burns, 2001). در ارتباط با مفهوم ریسک باید میان ریسک مطلق و ریسک معتدل و معقول تمایز قائل شد. در ریسک مطلق، فرد هیچ‌گونه احتمالی برای موفقیت ندارد، اما ریسک معتدل شامل فعالیت‌هایی است که مهارت و تلاش فرد در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، کارآفرینان از خطر استقبال می‌کنند، در صورتی که حساب شده باشد. این افراد اموری را که در آن هیچ‌گونه امکان موفقیتی وجود ندارد، تقبل نمی‌کنند. ریسک‌پذیری ویژگی ذاتی صرف نیست؛ بلکه محیط در پرورش آن نقش اساسی دارد. ریسک‌پذیری از یک سو، به ویژگی‌های شخصیتی افراد از قبیل کانون کنترل درونی، عزت نفس، ابراز وجود و نظایر آن و از دیگر سو به امکاناتی که محیط در اختیار افراد



می‌گذارد از قبیل حمایت و ترغیب والدین، مریان و دولت بستگی دارد. موفقیت‌طلبی یا نیاز و انگیزه موفقیت به‌عنوان تمایل فرد به تحقق اهداف بر اساس مجموعه‌ای از استانداردها است (Dekinz & Foil, 2003). توفیق‌طلبی بیانگر تمایل به ارزیابی عملکرد با تأکید بر استانداردهای متعالی، تلاش به‌منظور بهبود عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت و پیشرفت در کار همراه است (ماسن، ۱۳۷۰). توفیق‌طلبی را می‌توان انگیزه‌ای دانست که شخص را به فعالیت و انجام بی‌نقص کاری وادار می‌کند و او بدین وسیله می‌خواهد در دیگران اثر بگذارد (شعاری نژاد، ۱۳۶۴). نخستین ویژگی انگیزه پیشرفت این است که اغلب استاندارد جالبی برای این موقعیت به کار می‌رود و آن، ارزیابی عمل بر حسب کیفیت است. خصیصه دیگر، مبهم بودن نتایج است، به این معنا که با حد مشخصی از تلاش در گذشته چه چیزی انجام می‌شد یا به‌صورت عادت انجام می‌شود. در نهایت، انگیزه پیشرفت بیان می‌دارد که یک فرد به‌واسطه تلاش خودش چه می‌تواند انجام دهد. به‌طور کلی، انگیزه پیشرفت بر این نکته متمرکز است که چگونه فرد به چنین موقعیت‌هایی پاسخ می‌دهد (Bek, 1983).

#### ۴. روش پژوهش

تحقیق حاضر از منظر هدف، کاربردی و از منظر گردآوری داده و اطلاعات، تحقیق توصیفی - پیمایشی به‌شمار می‌رود. جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر تمامی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی تعداد ۸۵۶ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف انتخاب شده‌اند. توزیع نمونه تحقیق در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع نمونه آماری به تفکیک دانشگاه‌های مختلف

دانشگاه‌ها	تعداد نمونه	درصد فراوانی
الزهرا	۴۶	۵/۴٪
امیرکبیر	۴۴	۵/۱٪
تربیت مدرس	۴۸	۵/۶٪
خوارزمی (تربیت معلم)	۶۰	۷/۱٪
تهران	۱۸۶	۲۱/۷٪
شاهد	۷۰	۸/۲٪
شهید بهشتی	۹۶	۱۱/۲٪
صنعتی شریف	۶۰	۷/۱٪
خواجه نصیر طوسی	۵۶	۶/۵٪
علامه طباطبایی	۹۸	۱۱/۴٪
علم و صنعت	۵۴	۶/۳٪
هنر	۱۹	۴/۴٪
جمع کل	۸۵۶	۱۰۰٪

در پژوهش حاضر، به منظور گردآوری داده و اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه استاندارد شده «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی» بهره‌گیری شده است. این پرسشنامه به منظور به دست آوردن برآوردی از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان افراد مورد مطالعه در محورهای هشت‌گانه ریسک‌پذیری، کانون کنترل، موفقیت‌طلبی، سلامت فکر، عمل‌گرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی طراحی و تدوین شده است. روایی محتوایی این پرسشنامه توسط متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. به منظور برآورد همسانی درونی بین سؤال‌ها و مؤلفه‌ها ضریب آلفای کرونباخ در یک مطالعه، پرسشنامه بین ۳۵ نفر توزیع شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد. با پایان یافتن مرحله عملیات میدانی و تکمیل پرسشنامه، کلیه پرسشنامه‌ها مورد بازبینی قرار گرفت. به منظور کدگذاری پرسشنامه‌ها، راهنمای پرسشنامه تهیه و کدگذاری صورت گرفت. سپس ضمن بازبینی مجدد، اطلاعات پرسشنامه‌ها وارد کامپیوتر شد و با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS کار پردازش اطلاعات انجام گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس یک‌طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

## ۵. یافته‌ها

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل نمرات دانشجویان مورد مطالعه در هر یک از محورهای هشت گانه، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان و مقایسه آن با نرم‌های موجود، توصیف آماری بر روی داده‌ها انجام شده که نتایج آن در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است. چنانکه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، نرم‌های مربوط به هر یک از ابعاد هشت گانه روحیه کارآفرینی به صورت مجزا و نرم متغیر روحیه کارآفرینی در چهار مقوله بسیار ضعیف، ضعیف، قوی و بسیار قوی ارائه شده و داده‌های این تحقیق بر اساس این نرم‌های استاندارد تجزیه و تحلیل شده است.

جدول ۲. نرم‌های چهارمقوله‌ای ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان

مقوله	بسیار ضعیف	ضعیف	قوی	بسیار قوی
ریسک‌پذیری متعادل	[۱۸-۴۳]	[۴۳-۵۱]	[۵۱-۵۷]	[۵۷-۷۲]
کانون کنترل	[۱۷-۴۹]	[۴۹-۵۵]	[۵۵-۶۰]	[۶۰-۶۸]
نیاز به موفقیت	[۱۸-۴۳]	[۴۴-۴۸]	[۴۸-۵۳]	[۵۳-۶۰]
سلامت فکری	[۱۳-۳۴]	[۳۴-۳۸]	[۳۸-۴۳]	[۴۳-۵۲]
عمل‌گرایی	[۸-۲۵]	[۲۵-۲۸]	[۲۸-۳۰]	[۳۰-۳۲]
تحمل ابهام	[۱۱-۱۸]	[۱۸-۲۲]	[۲۲-۲۶]	[۲۶-۴۴]
رویا پردازی	[۷-۱۹]	[۱۹-۲۱]	[۲۱-۲۳]	[۲۳-۲۸]
چالش‌طلبی	[۶-۱۶]	[۱۶-۱۹]	[۱۹-۲۱]	[۲۱-۲۴]
کارآفرینی	[۹۵-۲۶۴]	[۲۶۴-۲۸۳]	[۲۸۳-۳۰۳]	[۳۰۳-۳۸۰]

جدول ۳. میانگین و وضعیت ابعاد هشت‌گانه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان

کارآفرینی	چالش طلبی	رویا پردازی	تحمل ابهام	عمل‌گرایی	سلامت فکری	توفیق طلبی	کانون کنترل	ریسک‌پذیری	ابعاد
									شاهد/غیرشاهد
۲۸۵/۲۹	۱۸/۱۳	۲۱/۴۲	۲۶/۳	۲۸	۳۷/۸	۴۸/۰۴	۵۶/۵۴	۴۹/۱	کل دانشجویان
قوی	ضعیف	قوی	بسیار	قوی	ضعیف	قوی	قوی	ضعیف	

بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۳، کل دانشجویان نمونه در ابعاد ریسک‌پذیری، سلامت فکر و چالش‌طلبی در وضعیت ضعیف قرار داشته و در ابعاد کانون کنترل،

توفیق‌طلبی، عمل‌گرایی و رویاپردازی در وضعیت قوی و در بعد تحمل ابهام دانشجویان نمونه در وضعیت بسیار قوی قرار داشته‌اند و در کل روحیه کارآفرینی دانشجویان نمونه دارای وضعیت قوی ارزیابی شده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی ابعاد هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه نمونه تحقیق به تفکیک نرم چهارمقوله‌ای

ابعاد	بسیار ضعیف		ضعیف		قوی		بسیار قوی	
	تعداد نمونه	درصد فراوانی	تعداد نمونه	درصد فراوانی	تعداد نمونه	درصد فراوانی	تعداد نمونه	درصد فراوانی
ریسک‌پذیری	۱۹۸	۲۳/۱	۳۲۶	۳۸/۱	۱۹۸	۲۳/۱	۱۳۴	۱۵/۷
کانون کنترل	۱۴۵	۱۶/۹	۲۱۲	۲۴/۸	۲۰۶	۲۴/۱	۲۹۳	۳۴/۲
موفقیت‌طلبی	۲۸۱	۳۲/۸	۱۴۵	۱۶/۹	۲۱۷	۲۵/۴	۲۱۳	۲۴/۹
سلامت فکر	۲۷۴	۳۲/۱	۲۰۴	۲۳/۸	۲۰۵	۲۳/۹	۲۰۲	۲۰/۲
عمل‌گرایی	۱۸۴	۲۱/۴	۲۱۲	۲۴/۸	۲۴۱	۲۸/۲	۲۱۹	۲۵/۶
تحمل ابهام	۹۶	۱۱/۲	۱۲۹	۱۵/۱	۲۰۷	۲۴/۲	۴۲۴	۴۹/۵
رویاپردازی	۲۵۹	۳۰/۳	۱۹۰	۲۲/۲	۱۴۹	۱۷/۴	۲۵۸	۳۰/۱
چالش‌طلبی	۲۶۳	۳۰/۷	۳۰۲	۳۵/۳	۱۵۳	۱۷/۹	۱۳۸	۱۶/۱
روحیه کارآفرینی	۲۴	۲/۸	۱۸۵	۲۱/۶	۵۸۱	۶۷/۹	۶۶	۷/۷

بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۴، عمده دانشجویان در چهار بعد موفقیت‌طلبی (حدود ۳۲/۸ درصد)، سلامت فکر (۳۲/۱ درصد)، رویاپردازی (حدود ۳۰/۳ درصد) و چالش‌طلبی (حدود ۳۰/۷ درصد) در وضعیت بسیار ضعیف، در بعد ریسک‌پذیری (حدود ۳۸/۱ درصد) در وضعیت ضعیف و در بعد عمل‌گرایی (حدود ۲۸/۲ درصد) در وضعیت قوی قرار داشته‌اند. همچنین در دو بعد کانون کنترل (حدود ۳۴/۲ درصد) و تحمل ابهام (حدود ۴۹/۵ درصد) در وضعیت بسیار قوی و در کل روحیه کارآفرینی اکثریت دانشجویان (حدود ۶۷/۹ درصد) در وضعیت قوی قرار داشته است.

در این پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان و مقایسه بین دو گروه دانشجویان زن و مرد در ابعاد هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه، از آزمون t برای گروه‌های مستقل بهره‌گیری شده است. در این آزمون، فرض صفر عبارت است از: عدم وجود تفاوت معناداری میان دو گروه دانشجویان زن و مرد در خصوص برخورداری از هر یک از ویژگی‌های هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض

بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ۱۵۳

خلاف بیانگر وجود تفاوت معناداری بین این دو گروه بوده است. با توجه به میزان  $t$  و سطح معناداری به دست آمده برای هر یک از آزمون‌ها در جدول ۵ و همچنین به علت آنکه سطوح معناداری مربوط به سه بعد ریسک‌پذیری، رویاپردازی و چالش‌طلبی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ بوده است، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می‌شود و این امر به معنای وجود تفاوت معنادار بین دو گروه دانشجویان زن و مرد در خصوص میزان برخورداری از این سه ویژگی شخصیتی کارآفرینانه است. اما بین دانشجویان زن و مرد در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه بر اساس میزان  $t$  و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری که ناشی از جنسیت باشد، مشاهده نشده است. در کل بین روحیه کارآفرینی دانشجویان زن و مرد بر اساس آزمون  $t$  تفاوت معنادار مشاهده نشده است.

جدول ۵. نتایج آزمون  $t$  به منظور بررسی تفاوت میزان برخورداری دانشجویان زن و مرد از ویژگی‌های هشت‌گانه

شخصیتی کارآفرینانه

ابعاد روحیه کارآفرینی	گروه‌ها به تفکیک جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معناداری																																																																												
ریسک‌پذیری	زن	۴۷/۷۹۶۵	۹/۰۹۰۱۱	-۴/۲۱۷	۸۵۴	۰/۰۰۰																																																																												
	مرد	۵۰/۱۹۶۵	۷/۵۴۹۷۶				کانون کنترل	زن	۵۶/۶۲۰۳	۷/۰۴۷۹۷	۰/۳۲۲	۸۵۴	۰/۷۴۷	مرد	۵۶/۴۶۵۸	۶/۹۵۸۵۹	موفقیت‌طلبی	زن	۴۷/۵۷۳۲	۶/۸۲۷۴۰	-۱/۸۸۱	۸۵۴	۰/۰۶۰	مرد	۴۸/۴۴۵۹	۶/۷۲۷۹۵	سلامت فکر	زن	۳۷/۵۴۳۴	۶/۳۵۴۷۷	-۱/۱۴۹	۸۵۴	۰/۲۵۱	مرد	۳۸/۰۳۳۱	۶/۱۰۳۱۹	عمل‌گرایی	زن	۲۸/۱۷۳۷	۳/۳۸۴۸۷	۱/۴۸۲	۸۵۴	۰/۱۳۹	مرد	۲۷/۸۳۶۶	۳/۲۶۵۵۰	تحمل ابهام	زن	۲۶/۴۰۹۴	۵/۹۴۵۳۲	۰/۵۰۱	۸۵۴	۰/۶۱۶	مرد	۲۶/۲۰۵۳	۵/۹۴۷۰۲	رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰	چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴
کانون کنترل	زن	۵۶/۶۲۰۳	۷/۰۴۷۹۷	۰/۳۲۲	۸۵۴	۰/۷۴۷																																																																												
	مرد	۵۶/۴۶۵۸	۶/۹۵۸۵۹				موفقیت‌طلبی	زن	۴۷/۵۷۳۲	۶/۸۲۷۴۰	-۱/۸۸۱	۸۵۴	۰/۰۶۰	مرد	۴۸/۴۴۵۹	۶/۷۲۷۹۵	سلامت فکر	زن	۳۷/۵۴۳۴	۶/۳۵۴۷۷	-۱/۱۴۹	۸۵۴	۰/۲۵۱	مرد	۳۸/۰۳۳۱	۶/۱۰۳۱۹	عمل‌گرایی	زن	۲۸/۱۷۳۷	۳/۳۸۴۸۷	۱/۴۸۲	۸۵۴	۰/۱۳۹	مرد	۲۷/۸۳۶۶	۳/۲۶۵۵۰	تحمل ابهام	زن	۲۶/۴۰۹۴	۵/۹۴۵۳۲	۰/۵۰۱	۸۵۴	۰/۶۱۶	مرد	۲۶/۲۰۵۳	۵/۹۴۷۰۲	رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰	چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹						
موفقیت‌طلبی	زن	۴۷/۵۷۳۲	۶/۸۲۷۴۰	-۱/۸۸۱	۸۵۴	۰/۰۶۰																																																																												
	مرد	۴۸/۴۴۵۹	۶/۷۲۷۹۵				سلامت فکر	زن	۳۷/۵۴۳۴	۶/۳۵۴۷۷	-۱/۱۴۹	۸۵۴	۰/۲۵۱	مرد	۳۸/۰۳۳۱	۶/۱۰۳۱۹	عمل‌گرایی	زن	۲۸/۱۷۳۷	۳/۳۸۴۸۷	۱/۴۸۲	۸۵۴	۰/۱۳۹	مرد	۲۷/۸۳۶۶	۳/۲۶۵۵۰	تحمل ابهام	زن	۲۶/۴۰۹۴	۵/۹۴۵۳۲	۰/۵۰۱	۸۵۴	۰/۶۱۶	مرد	۲۶/۲۰۵۳	۵/۹۴۷۰۲	رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰	چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																
سلامت فکر	زن	۳۷/۵۴۳۴	۶/۳۵۴۷۷	-۱/۱۴۹	۸۵۴	۰/۲۵۱																																																																												
	مرد	۳۸/۰۳۳۱	۶/۱۰۳۱۹				عمل‌گرایی	زن	۲۸/۱۷۳۷	۳/۳۸۴۸۷	۱/۴۸۲	۸۵۴	۰/۱۳۹	مرد	۲۷/۸۳۶۶	۳/۲۶۵۵۰	تحمل ابهام	زن	۲۶/۴۰۹۴	۵/۹۴۵۳۲	۰/۵۰۱	۸۵۴	۰/۶۱۶	مرد	۲۶/۲۰۵۳	۵/۹۴۷۰۲	رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰	چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																										
عمل‌گرایی	زن	۲۸/۱۷۳۷	۳/۳۸۴۸۷	۱/۴۸۲	۸۵۴	۰/۱۳۹																																																																												
	مرد	۲۷/۸۳۶۶	۳/۲۶۵۵۰				تحمل ابهام	زن	۲۶/۴۰۹۴	۵/۹۴۵۳۲	۰/۵۰۱	۸۵۴	۰/۶۱۶	مرد	۲۶/۲۰۵۳	۵/۹۴۷۰۲	رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰	چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																																				
تحمل ابهام	زن	۲۶/۴۰۹۴	۵/۹۴۵۳۲	۰/۵۰۱	۸۵۴	۰/۶۱۶																																																																												
	مرد	۲۶/۲۰۵۳	۵/۹۴۷۰۲				رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰	چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																																														
رویاپردازی	زن	۲۱/۰۸۱۹	۳/۵۲۰۴۸	-۲/۷۶۳	۸۵۴	۰/۰۰۶																																																																												
	مرد	۲۱/۷۲۴۱	۳/۲۷۷۲۰				چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹	روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																																																								
چالش‌طلبی	زن	۱۷/۶۲۰۳	۳/۳۰۴۱۹	-۴/۴۳۸	۸۵۴	۰/۰۰۰																																																																												
	مرد	۱۸/۵۷۴۰	۲/۹۸۱۷۹				روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																																																																		
روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲/۸۱۸۹	۲۸/۶۱۷۹۹	-۲/۴۵۹	۸۵۴	۰/۰۱۴																																																																												
	مرد	۲۸۷/۴۸۱۲	۲۶/۸۴۲۰۹																																																																															

در این پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان و مقایسه میان مقاطع تحصیلی، از آزمون تحلیل واریانس یکراهه بهره گرفته شده است. در این آزمون، فرض صفر عبارت است از: عدم وجود تفاوت بین کل دانشجویان نمونه سه مقطع تحصیلی از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه. فرض خلاف عبارت است از: وجود تفاوت بین دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف. با توجه به میزان  $F$  و سطوح معناداری به دست آمده که در جدول ۶ در ارتباط با دانشجویان ارائه شده است، به این دلیل که فقط سطوح معناداری مربوط به بعد موفقیت‌طلبی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون رد می‌شود. به تعبیر دیگر، بین کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی موفقیت‌طلبی تفاوت معنادار وجود دارد، اما بین کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه بر اساس میزان  $F$  و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری که ناشی از مقطع تحصیلی باشد، مشاهده نشده است. همچنین در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف بر اساس آزمون  $F$  مشاهده نشده است. نتایج مربوط به این آزمون‌ها در جدول ۶ ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ۱۵۵

جدول ۶. آزمون F برای بررسی تفاوت میزان برخورداری کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف از ویژگی‌های

هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه

سطح معناداری	F مقدار	میانگین مجموع مربع انحرافات	مجموع مربع انحرافات	درجه آزادی	منابع تغییرات	ابعاد روحیه کارآفرینی
۰/۱۹۴	۱/۵۷۵	۱۱۰/۶۷۶	۳۳۲/۰۲۸	۲	بین گروهی	ریسک‌پذیری
		۷۰/۲۷۸	۵۹۸۷۷/۱۷۶	۸۵۳	درون گروهی	
			۶۰۲۰۹/۲۰۴	۸۵۵	کل	
۰/۱۶۲	۱/۷۱۶	۸۳/۷۸۳	۲۵۱/۳۴۸	۲	بین گروهی	کانون کنترل
		۴۸/۸۳۷	۴۱۶۰۹/۳۸۰	۸۵۳	درون گروهی	
			۴۱۸۶۰/۷۲۸	۸۵۵	کل	
۰/۰۲۶	۳/۱۰۴	۱۴۱/۸۴۸	۴۲۵/۵۴۳	۲	بین گروهی	موفقیت‌طلبی
		۴۵/۶۹۹	۳۸۹۳۵/۴۰۶	۸۵۳	درون گروهی	
			۳۹۳۶۰/۹۴۹	۸۵۵	کل	
۰/۳۰۳	۱/۲۱۴	۴۷/۰۰۳	۱۴۱/۰۱۰	۲	بین گروهی	سلامت فکر
		۳۸/۷۱۰	۳۲۹۸۰/۶۲۴	۸۵۳	درون گروهی	
			۳۳۱۲۱/۶۳۴	۸۵۵	کل	
۰/۱۳۴	۱/۸۶۳	۲۰۵۲۴	۶۱/۵۷۲	۲	بین گروهی	عمل‌گرایی
		۱۱/۰۱۹	۹۳۸۸/۴۰۹	۸۵۳	درون گروهی	
			۹۴۴۹/۹۸۱	۸۵۵	کل	
۰/۴۶۵	۸۵۴/	۳۰/۱۶۹	۹۰/۵۰۸	۲	بین گروهی	تحمل ابهام
		۳۵/۳۴۵	۳۰۱۱۳/۷۳۰	۸۵۳	درون گروهی	
			۳۰۲۰۴/۲۳۸	۸۵۵	کل	
۰/۶۴۶	۵۵۴/	۶/۴۴۱	۱۹/۳۲۲	۲	بین گروهی	رویاپردازی
		۱۱/۶۲۶	۹۹۰۵/۴۳۴	۸۵۳	درون گروهی	
			۹۹۲۴/۷۵۶	۸۵۵	کل	
۰/۲۲۴	۱/۴۵۹	۱۴/۶۵۸	۴۳/۹۷۵	۲	بین گروهی	چالش‌طلبی
		۱۰/۰۴۴	۸۵۵۷/۶۵۰	۸۵۳	درون گروهی	
			۸۶۰۱/۶۲۵	۸۵۵	کل	
۰/۱۲۵	۱/۹۱۹	۱۴۷۵/۶۷۳	۴۴۲۷/۰۲۰	۲	بین گروهی	روحیه کارآفرینی
		۷۶۸/۶۰۹	۶۵۵۱۰۷/۸۵۸	۸۵۳	درون گروهی	
			۶۵۹۵۳۴/۸۷۷	۸۵۵	کل	

در راستای بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان نمونه بر اساس رشته‌های تحصیلی و مقایسه بین گروه‌های تحصیلی مختلف در این پژوهش، از آزمون تحلیل واریانس یکراهه استفاده شده است. در این آزمون، فرض صفر شامل عدم وجود تفاوت بین دانشجویان نمونه پنج گروه تحصیلی از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض خلاف عبارت است از: وجود تفاوت بین دانشجویان گروه‌های تحصیلی مختلف. با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده که در مورد کل دانشجویان نمونه در جدول ۷ ارائه شده است، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به ابعاد سلامت فکر، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ بوده، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می‌شود. این بدان معناست که بین کل دانشجویان نمونه گروه‌های تحصیلی مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی‌های سلامت فکر، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی تفاوت معنادار وجود دارد، اما بین کل دانشجویان نمونه گروه‌های تحصیلی مختلف در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه بر اساس میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری ناشی از گروه تحصیلی، مشاهده نشده است. همچنین در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی کل دانشجویان نمونه گروه‌های تحصیلی مختلف بر اساس آزمون F مشاهده نشده است (جدول ۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ۱۵۷

جدول ۷. نتایج آزمون F برای بررسی تفاوت میزان برخورداری کل دانشجویان رشته تحصیلی مختلف از

ویژگی‌های هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجموع مربع انحرافات	مجموع مربع انحرافات	درجه آزادی	منابع تغییرات	ابعاد روحیه کارآفرینی
۰/۳۵۲	۱/۱۰۶	۷۷/۸۴۶	۳۱۱/۳۸۴	۴	بین‌گروهی	ریسک‌پذیری
		۷۰/۳۸۵	۵۹۸۹۷/۸۲۱	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۶۰۲۰۹/۲۰۴	۸۵۵	کل	
۰/۰۸۳	۲/۰۶۷	۱۰۰/۶۸۲	۴۰۲/۷۲۹	۴	بین‌گروهی	کانون کنترل
		۴۸۷۱۷	۴۱۴۵۸/۹۹۸	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۴۱۸۶۰/۷۲۸	۸۵۵	کل	
۰/۶۲۹	۰/۶۴۸	۲۹/۸۶۸	۱۱۹/۴۷۳	۴	بین‌گروهی	موفقیت‌طلبی
		۴۶/۱۱۲	۳۹۳۴۱/۴۷۶	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۳۹۳۶۰/۹۴۹	۸۵۵	کل	
۰/۰۱۳	۳/۱۶۸	۱۲۱/۵۱۰	۴۸۶/۰۴۱	۴	بین‌گروهی	سلامت فکر
		۳۸/۳۵۰	۳۲۶۳۵/۵۹۳	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۳۳۱۲۱/۶۳۴	۸۵۵	کل	
۰/۴۸۴	۰/۸۶۶	۹/۵۷۲	۳۸/۲۸۹	۴	بین‌گروهی	عمل‌گرایی
		۱۱/۰۶۰	۹۴۱۱/۶۹۳	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۹۴۴۹/۹۸۱	۸۵۵	کل	
۰/۰۰۶	۳/۶۳۰	۱۲۶/۶۹۰	۵۰۶/۷۵۹	۴	بین‌گروهی	تحمل ابهام
		۳۴/۸۹۷	۲۹۶۹۷/۴۸۰	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۳۰۲۰۴/۲۳۸	۸۵۵	کل	
۰/۰۲۸	۲/۷۲۵	۳۱/۳۸۰	۱۲۵/۵۱۸	۴	بین‌گروهی	رویابرداری
		۱۱/۵۱۵	۹۷۹۹/۲۳۸	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۹۹۲۴/۷۵۶	۸۵۵	کل	
۰/۰۱۹	۲/۹۸۰	۲۹/۷۰۲	۱۱۸/۸۰۹	۴	بین‌گروهی	چالش‌طلبی
		۹/۹۶۸	۸۴۸۲/۸۱۶	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۸۶۰۱/۶۲۵	۸۵۵	کل	
۰/۱۴۴	۱/۷۱۷	۱۳۲۰/۲۹۴	۵۲۸۱/۱۷۵	۴	بین‌گروهی	روحیه کارآفرینی
		۷۶۸/۸۰۶	۶۵۴۲۵۳/۷۰۲	۸۵۱	درون‌گروهی	
			۶۵۹۵۳۴/۸۷۷	۸۵۵	کل	

به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان نمونه بر اساس دانشگاه‌های محل تحصیل و مقایسه بین دانشگاه‌های مختلف از آزمون تحلیل واریانس یکراهه بهره‌گیری شده است. در این آزمون فرض صفر عبارت است از: عدم وجود تفاوت بین دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض خلاف مشتمل بر وجود تفاوت بین دانشجویان دانشگاه‌های مختلف. با عنایت به میزان  $F$  و سطوح معناداری به دست آمده که در مورد کل دانشجویان نمونه در جدول ۸ ارائه شده است، به این دلیل که فقط میزان سطوح معناداری مربوط به تحمل ابهام کمتر از سطح آلفای  $0/05$  بوده، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون رد می‌شود و این بدان معناست که بین کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی تحمل ابهام تفاوت وجود دارد. اما بین کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه بر اساس میزان  $F$  و سطوح معناداری به دست آمده، تفاوتی که ناشی از دانشگاه محل تحصیل باشد، مشاهده نشده است. همچنین در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف بر اساس آزمون  $F$  مشاهده نشده است (جدول ۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ۱۵۹

جدول ۸. نتایج آزمون F برای بررسی تفاوت میزان برخورداری کل دانشجویان دانشگاه‌های مختلف از ویژگی‌های

هشت‌گانه شخصیتی کارآفرینانه

ابعاد روحیه کارآفرینی	منابع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربع انحرافات	میانگین مجموع مربع انحرافات	مقدار F	سطح معناداری
ریسک‌پذیری	بین گروهی	۱۱	۹۸۲/۶۹۶	۸۹/۳۳۶	۱/۲۷۳	۰/۲۳۵
	درون گروهی	۸۴۴	۵۹۲۲۶/۵۰۸	۷۰/۱۷۴		
	کل	۸۵۵	۶۰۲۰۹/۲۰۴			
کانون کنترل	بین گروهی	۱۱	۷۷۶/۵۱۸	۷۰/۵۹۳	۱/۴۵۰	۰/۱۴۵
	درون گروهی	۸۴۴	۴۱۰۸۴/۲۱۰	۴۸/۶۷۸		
	کل	۸۵۵	۴۱۸۶۰/۷۲۸			
موفقیت‌طلبی	بین گروهی	۱۱	۵۲۸/۳۸۰	۴۸/۰۳۵	۱/۰۴۴	۰/۴۰۵
	درون گروهی	۸۴۴	۳۸۸۳۲/۵۶۸	۴۶/۰۱۰		
	کل	۸۵۵	۳۹۳۶۰/۹۴۹			
سلامت فکر	بین گروهی	۱۱	۲۱۲/۷۲۳	۱۹/۳۳۸	۰/۴۹۶	۰/۹۰۶
	درون گروهی	۸۴۴	۳۲۹۰۸/۹۱۱	۳۸/۹۹۲		
	کل	۸۵۵	۳۳۱۲۱/۶۳۴			
عمل‌گرایی	بین گروهی	۱۱	۱۶۶/۹۰۸	۱۵/۱۷۳	۱/۳۸۰	۰/۱۷۷
	درون گروهی	۸۴۴	۹۲۸۳/۰۷۴	۱۰/۹۹۹		
	کل	۸۵۵	۹۴۴۹/۹۸۱			
تحمل ابهام	بین گروهی	۱۱	۸۷۵/۴۸۳	۷۹/۵۸۹	۲/۲۹۰	۰/۰۰۹
	درون گروهی	۸۴۴	۲۹۳۲۸/۷۵۵	۳۴/۷۵۰		
	کل	۸۵۵	۳۰۲۰۴/۲۳۸			
رویاپردازی	بین گروهی	۱۱	۱۹۶/۸۳۵	۱۷/۸۹۴	۱/۵۵۳	۰/۱۰۸
	درون گروهی	۸۴۴	۹۷۲۷/۹۲۱	۱۱/۵۲۶		
	کل	۸۵۵	۹۹۲۴/۷۵۶			
چالش‌طلبی	بین گروهی	۱۱	۶۶/۲۸۶	۶/۰۲۶	۰/۵۹۶	۰/۸۳۳
	درون گروهی	۸۴۴	۸۵۳۵/۳۳۹	۱۰/۱۱۳		
	کل	۸۵۵	۸۶۰۱/۶۲۵			
روحیه کارآفرینی	بین گروهی	۱۱	۵۹۹۳/۹۳۲	۵۴۴/۹۰۳	۰/۷۰۴	۰/۷۳۶
	درون گروهی	۸۴۴	۶۵۳۶۴۰/۹۴۵	۷۷۴/۳۳۸		
	کل	۸۵۵	۶۵۹۵۳۴/۸۷۷			

## ۶. نتیجه‌گیری و راهکارها

مطالعه تاریخ تحولات جهان بیانگر آن است که در ربع آخر قرن بیستم، جهان دچار چنان دگرگونی شده است که با هیچ یک از دوره‌های ماقبل خود قابل قیاس نیست. این تحول از آن نظر حائز اهمیت است که به روندی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده و هر لحظه شتابی مضاعف به خود می‌گیرد. در این راستا، برخی از کشورهای جهان سوم با گذشت حدود دو قرن از آغاز انقلاب صنعتی اروپا و آگاهی از آنچه پیش از این از آن غفلت کرده بودند، اکنون در حرکت به سمت توسعه، عزم و اراده‌ای جدی به خود گرفته‌اند. نخستین گام‌های این حرکت در کشور ما از سال ۱۳۲۷ هجری شمسی آغاز شده و تا کنون طی پنج برنامه توسعه پیش از انقلاب و چهار برنامه توسعه پس از انقلاب و هم‌اینک نیز برنامه پنجم سازندگی، اقدامات متعددی که گاه با شکست و گاه با موفقیت همراه بوده، دنبال شده است، اما متأسفانه فاصله ما با کشورهای پیشرو و توسعه یافته همچنان باقی است.

بر اساس اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران باید در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و همچنین از طریق برخورداری از دانش و فناوری پیشرفته، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، در جایگاه برتر علمی، فناوری و اقتصادی منطقه آسیای جنوب غربی قرار گیرد. بنابراین دستیابی به این اهداف و تحقق توسعه پایدار کشور، بدون مدیریت و برنامه‌ریزی علمی، جامع و نظام‌مند تمامی حوزه‌ها به‌ویژه حوزه فناوری، نوآوری و کارآفرینی امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، کارآفرینی به‌مثابه موتور محرکه فرایند توسعه ملی، پدیده‌ای است که کشور ما به تبع از یک حرکت جهانی، بیش از یک دهه است که آن را آغاز کرده، اما همچنان آسیب‌ها، موانع و محدودیت‌های فراوانی در مسیر تحقق کامل آن در کشور وجود دارد.

در حال حاضر، کشور ما به‌رغم برخورداری از منابع انسانی توانمند و متعهد و نیز منابع طبیعی غنی و ارزشمند، از رشد اقتصادی مطلوبی برخوردار نبوده و شمار قابل توجهی از نیروهای جوان و تحصیل کرده، از امکان اشتغال مناسب بی‌بهره‌اند. این در حالی است که همچنان تأکید نیروهای جوان بر اشتغال در دستگاه‌های دولتی و بخش خدماتی است. افزون بر آن، بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات داخلی به‌دلیل بهره‌وری اندک و کیفیت پایین خدمات و محصولات، قادر به رقابت در بازارهای بین‌المللی نیستند و همچنان نیازمند

حمایت‌های ویژه دولتی هستند. از این رو، توسعه کارآفرینی با رویکرد فرصت‌آفرینی، ثروت‌آفرینی و ارزش‌آفرینی در جامعه بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

به‌طور کلی، یکی از الزامات و پیش‌نیازهای اساسی و زیربنایی تحقق توسعه کارآفرینی در کشور، مطالعه و تحلیل ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه میان جوانان به‌طور اعم، و دانشجویان و دانش‌آموختگان به‌طور اخص ضعیف بودن دانشجویان در محورهای ریسک‌پذیری، سلامت فکر و چالش‌طلبی به‌عنوان محورهای اساسی روحیه کارآفرینی به‌دلیل وجود فرهنگ دستوری، تقلیدی و غیرمولد در جامعه و ناکارآمدی نظام آموزشی و آموزش عالی کشور در تدارک بستر مناسب به‌منظور توسعه روحیه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان است.

با توجه به مطالب مطرح شده، تحقیق حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران و مقایسه ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل انجام شده است. بر اساس نتایج به دست آمده به تفسیر یافته‌های این تحقیق می‌پردازیم:

۱. ضعیف بودن دانشجویان در محورهای ریسک‌پذیری، سلامت فکر و چالش‌طلبی به‌عنوان محورهای اساسی روحیه کارآفرینی می‌تواند به‌دلیل وجود فرهنگ دستوری، تقلیدی و غیرمولد در جامعه و ناکارآمدی نظام آموزشی و آموزش عالی کشور در تدارک بستر مناسب به‌منظور توسعه روحیه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان باشد.

۲. در ارتباط با نتایج حاصل از وجود تفاوت معناداری میان دانشجویان زن و مرد در ابعاد ریسک‌پذیری، رویاپردازی و چالش‌طلبی، می‌توان گفت که این تفاوت احتمالاً ناشی از اعطای مسئولیت اداره و تأمین معاش خانواده برعهده مرد است و در مقابل، زنان به‌دلیل مسئولیت کمتر در این زمینه از توان ریسک‌پذیری بالاتری برخوردارند.


۳. بر اساس تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهشی و نتایج به دست آمده، معلوم می‌گردد که به استثنای یک محور، در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف بر اساس آزمون F ملاحظه نمی‌شود. این بدان معناست که مسائل و مشکلات موجود در ارتباط با توسعه روحیه کارآفرینی دانشجویان در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور، تقریباً در تمامی مقاطع تحصیلی مشترک بوده و وضعیت متفاوتی در

هیچ یک از مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشاهده نمی شود. ریشه های عمیق تر این امر را نیز می توان در نظام آموزش و پرورش کشور جستجو کرد. ۴. با توجه به اینکه بر اساس میزان F و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری در ارتباط با ویژگی تحمل ابهام برای دانشجویان دانشگاه های مختلف مطرح بوده است، بنابراین دلیل این تفاوت به دانشگاه محل تحصیل مربوط است. به عبارت دیگر، ابهامات و عدم اطمینان های موجود پیش روی دانشجویان دانشگاه های مورد مطالعه، به دلیل برخورداری برخی از این دانشگاه ها از جایگاه مطلوب تر در بازار کار داخلی و بین المللی، دانشجویان مشغول به تحصیل در آنان از آینده ای مطمئن تر بهره مند هستند. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش و تحلیل سؤال باز پرسشنامه مبنی بر ارائه راهکارهای ارتقای ویژگی های کارآفرینانه دانشجویان مورد مطالعه، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

- برنامه ریزی به منظور دگردیسی دانشگاه های کشور به دانشگاه های نوآور و کارآفرین و کسب ویژگی های برتر آنان؛
- ایجاد زمینه مناسب و تحقق حمایت های قانونی مورد نیاز به منظور تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی؛
- ایجاد بانک ایده و پایگاه های اطلاعاتی، جهت دسترسی دانشجویان و دانشگاهیان به نتایج پژوهش ها؛
- بازنگری دروس و رشته های دانشگاهی با تأکید بر رشته های بین رشته ای از طریق مشارکت بخش صنعت بر اساس نیاز بازار کار و جامعه؛
- آشناسازی دانشجویان با مشاغل بالفعل و بالقوه مرتبط با رشته های تحصیلی و ایجاد الگوهای موفق دانشگاهی در عرصه صنعت و کسب و کار؛
- توسعه جلسات هم اندیشی و بحث و گفتگو آزاد بین اساتید و دانشجویان و در نظر گرفتن سازوکارهای انگیزشی مختلف برای دانشجویان به منظور ارائه ایده های کارآفرینانه؛
- ترسیم خطرات و موفقیت های پیش روی کارآفرینان برای دانشجویان و فراهم آوردن امکان بازدید آنان از پارک ها و مراکز رشد و سایر مراکز مشابه؛

بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ۱۶۳

- حمایت مادی و معنوی از دانشجویان جهت پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه و تجلیل و قدردانی از دانشجویان کارآفرین به منظور ایجاد انگیزه در سایرین؛
- فراهم آوردن محیطی جهت اظهارنظر و انتقاد دانشجویان از عملکرد مسئولین دانشگاه‌ها و پرهیز آنان از تصمیم‌گیری‌های مقطعی و سلیقه‌ای و پیگیری تحقق تصمیمات اثربخش در دانشگاه؛
- ارزیابی و سنجش مستمر ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان و استعدادیابی و هدایت اثربخش‌تر آنان به رشته‌ها و مراکز مناسب در کشور در راستای تقویت روحیه کارآفرینی آنان؛
- افزایش رشته‌ها، گروه‌ها و دانشکده‌های کارآفرینی در کشور و هدایت دانشجویان به سمت این رشته‌ها؛
- حمایت از پایان‌نامه‌های با موضوعات نو و برگزاری مسابقات ارائه ایده‌های نوآورانه و کارآفرینانه در راستای تشویق دانشجویان به کارآفرینی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- آناستازی، آ. (۱۳۶۱). روان‌آزمایی، ترجمه محمدتقی براهنی، دانشگاه تهران.
- اتکینسون و همکاران (۱۳۶۹). زمینه روان‌شناختی (جلد اول)، ترجمه براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۸). «کارآفرینی: تعاریف، الگوها و نظریات»، تهران: شرکت پردیس ۵۷.
- امید هما (۱۳۵۸). «بررسی عوامل مؤثر در شکوفایی خلاقیت»، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- بال، ساموئل (۱۳۷۳). انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه سیدعلی اصغر مسدد، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- خدمتی توسل، بی‌نام (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴). فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عزیزی، محمد (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی. [گزارش]، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عطار، حسین (۱۳۸۸). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی کارآفرینانه برویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی مدیران شرکت‌های خودروسازی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- کردستانی، فرشته (۱۳۸۲). بررسی وضعیت کارآفرینی در مدارس متوسط و ارائه مدلی برای پرورش مدیران کارآفرین در آموزش و پرورش شهر تهران، رساله دکترا در رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- کردناییح، اسدالله، محمدرضا زالی، حیدرعلی هومن و شهاب‌الدین شمس (۱۳۸۸). ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی، تهران.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۰). روان‌شناسی شخصیت، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کوراتکو، دانلد اف و ریچارد ام هاجتس، (۱۳۸۳). کارآفرینی، ترجمه ابراهیم عامل محرابی و محسن تبرایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ماسن، هنری پاول (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
- محمد‌هادی، فریبرز (۱۳۷۹). بررسی رابطه کانون کنترل مدیران با گرایش آنان به عدم تمرکز در تصمیم‌گیری در سازمان‌های آموزش، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.



## ب) منابع لاتین

- Anokhin, Sergey- Schulze, William S (2009). "Entrepreneurship, innovation, and corruption", Journal of Business Venturing, Vol. 24.
- Bek, S. U. (1983). "Risk-taking Personality, Focus on Control and Entrepreneurship, personality and individual difference, Vol. 6, P: 781.
- Burns, P. (2001). "Entrepreneurship and Small Business", New York: Palgrave.
- Dekins, T. W. & Foil. N. M. (2003). Entrepreneurship and New Venture formation, Prentice Hall international Edition.
- Fry, N. (1995). "Characteristics of Knowledge Interactions between Universities and Small Firms in Japan", International Small Business Journal 23 (4): 379-401.
- Howard, S. (2004). Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation, University of South Florida report.
- Johnson, Debra- Craig, Justin B. L- Hildebrand, Ryan (2006). "Entrepreneurship Education: Towards a Discipline- based Framework", Journal of management Development, Vol. 25, No. 1.
- Komanda, T. W. (1990). Entrepreneurship and Innovation in the Knowledge-based Economy: Challenges and Strategies, Report of the APO Symposium on Entrepreneurship and in Knowledge-based industry, Taipei, Republic of China, published by the Asian Productivity Organization.
- Kuratko, D. F. and Hodgetts R. M. (1998). "Entrepreneurship: Theory, Process, Practice", Mason, OH: South-Western Publishers.
- Littunen, Annu (2000). "Entrepreneurship and the Characteristics of Entrepreneurial personality", International journal of entrepreneurial behavior research, Vol. 6, No. 6.
- Palmer, M. (1987). The Application of Psychological Testing to Entrepreneurial Potential Entrepreneurship and Venture Management, New Jersey, Prentice Hall Inc.
- Tagona, C. (1990). "University-Industry Research Partnership: Motivation for Collaboration", University of Pennsylvania.
- UNESCO (2003). Technology Management, first international conference, in Miami, Florida.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی